



## چرا کار یک ورزشکار به اعدام می‌کشد؟

**سید مصطفی صابری**– وقتی خبرهای تلخی از درگیری، نزاع و حواشی عجیبی که توسط ورزشکاران حرفه ای و نامدار رقم خورده به گوشمان می‌رسد، از خودمان می‌پرسیم مگر ممکن است شخصی در آن جایگاه، مرتکب چنین رفتارهایی شود که حکمش اعدام یا حبس ابد است؟ برای پاسخ به این سوال باید بدانیم وقتی از چنین ورزشکارانی حرف می‌زنیم، از کسی حرف می‌زنیم که صرفاً ورزش کرده و در مسیر موفقیت حرفه ای بوده و لزوماً مدیریتی بر توانایی‌ها، شهرت و پولش نداشته است. شاید با دانستن این نکته، از شنیدن اخبار هولناک درباره ورزشکاران کمتر تعجب کنیم. به خصوص اگر بدانیم هر چیزی در زندگی ما آدم‌ها، اقتضائات خاص خودش را دارد و می‌تواند شخصیت و رفتار و عملکرد ما را تغییر دهد. به طور مثال وقتی سوار دوچرخه هستیم، رفتار ما با دیگران با زمانی که سوار بر یک موتورسیکلت پرسرودا هستیم، متفاوت است. به طور معمول سوار بر دوچرخه بوق نمی‌زنیم و با صبر بیشتری رفتار می‌کنیم، اما انگار صدای دلخراش موتور باعث می‌شود یک نوع شتابزدگی در رفتار ما پدید بیاید. داشتن دوچرخه و موتورسیکلت عیبی ندارد اما تغییر و تاثیرپذیری ماست که باعث بروز ناهنجاری‌هایی در رفتارمان می‌شود. ورزش هم همین‌طور است. بازیکنان فوتبال که به‌طور معمول درگیری بیشتری با بازیکن حریف و ارتباط بیشتری با هوادار دارند، متفاوت از بازیکنان والیبالی هستند که یک تور بین آن‌ها و بازیکن حریف فاصله می‌اندازد. بازیکن شطرنج، رفتار و شخصیت یک شطرنج‌باز را دارد و ورزشکاری که حرفه اش تیراندازی یا تیروکمان است و سروکارش با دقت و تمرکز، طور دیگری رفتار می‌کند.

مسابقات قوی‌ترین مردان ایران یا مردان آهنین که پخش می‌شد، تلاش زیادی شد تا بین بخش‌های مختلف مسابقات حرفه‌ای خوبی از زبان ورزشکاران به مخاطب گفته شود. اما از قرار حاشیه‌های ورزشکاران این رشته حین برگزاری و مسابقات و بعدش چنان زیاد بود که برگزاری آن و نمایشش از تلویزیون قطع شد. این رشته هم مثل هر ورزش دیگری برای سلامتی جسم و جان پدید آمده بود اما آن قدر دوربازوی عضلانی برای بعضی فعالان این ورزش و رشته‌های مشابهش موضوعیت پیدا کرد که ماجرا توسط برخی از تازهوردان به این رشته به مصرف مکمل‌های غیرمجاز و ... کشیده شد. در مرحله بعد وقتی روح آدم وسعت و پذیرش کافی برای درک توانایی جسم نداشته باشد، تحت تاثیر قابلیت‌های جسمانی خاصی که بسیاری از افراد جامعه فاقد آن هستند قرار می‌گیرد و فرد فرخ‌فروشی می‌کند. فرد، مطیع زور بازویش می‌شود و نتیجه می‌شود اتفاقات عجیب و تلخی که برای خیلی از قهرمانان رشته‌هایی مثل بدنسازی و پاورلیفتینگ افتاد. هر چند شاید این اتفاقات، به نسبت کل فعالان این فضا خیلی نادر باشد اما همان مقدار کم هم نقاب زشتی روی چهره ورزش که ذاتش پرورش روح و روان است، می‌گذارد. در ادامه حتی شاهد این نوع حواشید راخ در ورزش کشتی هم که ورزش اول و پهلوانی ماست هستیم؛ از چاقوکنشی بین مسابقات توسط همراهان قهرمانان ملی تا دعوا و نزاع منجر به قتل و جرح خارج از آوردگاه رقابت. اگر برخی فوتبالیست‌ها تحت تاثیر پول و شهرت، خودشیفته می‌شوند و گاهی حواشی اخلاقی دارند، در مورد بقیه ورزشکاران به شکل دیگری شاهد بروز ناهنجاری هستیم. وقتی در ورزش، حلقه‌ای به هر قیمتی ملاک می‌شود، ورزش حرفه ای از ذات خود فاصله می‌گیرد و فعالانش از همان میدان مسابقه در تقابل با آرمان‌های ورزش قرار می‌گیرند و بروز برخی رفتارها، خارج از میدان مسابقه، از سوی آن‌ها عجیب به نظر نمی‌رسد. هر چند بازم‌هم باید تاکید کرد که اشکال از ذات ورزش نیست، هم پول و شهرت فوتبال را می‌شود مدیریت کرد، هم زور بازو و جته درشت و خاص حاصل از بقیه ورزش‌ها را؛ به شرط آن که ورزشکار، قبل از ورود به مسیر حرفه ای ورزش و پیش از آن که درگیر نتیجه گرایی در ورزش قهرمانی شود، خوب یاد بگیرد چرا ورزشکار شده و در صورت موفقیت چه مسئولیت‌هایی در قبال خودش و جامعه دارد و از طرفی، بعد از پایان دوران حرفه ای هم بداند که پایان قهرمانی، رسیدن به خط پایان زندگی نیست، حقیقت تلخ این است که بسیاری از رفتارهای نامناسب ورزشکاران بعد از پایان روزهای قهرمانی و با فرارسیدن دوران افسردگی ناشی از دور بودن از انظار عمومی شکل می‌گیرد؛ جایی که ورزشکار می‌خواهد با رفتارهای غلط، برخی خلا‌ها را در زندگی اش پر کند.



## مقتول‌ها

وقتی اسم مرگ، به شکل کشته شدن و به قتل رسیدن می‌آید، شاید اولین فکری که به ذهنمان می‌رسد، این باشد که «حیف‌ازیک‌زندگی که بی‌جا و بی مقدمه و به یک دلیل بی‌خود، تباه شد». حالا اگر مقتول، یک ورزشکار و یک سرمایه ملی باشد، این افسوس عمیق تر می‌شود. متأسفانه تعدادی از ورزشکاران کشورمان، به دلایل شاید پیش پاافتاده و در سنین جوانی، در نزاع‌های خانوادگی و خیابانی به قتل رسیدند. نزاع‌هایی که می‌شد بدون زد و خورد و قتل و خونریزی، آرام و مسالمت آمیز حل شود.

#### قربانی لجبازی در اندکی

هنوز درگذشت روح ...! داداشی قوی ترین مرد ایران که در درگیری خیابانی با یک جوان ۲۰ساله با اصابت چاقو به قلبش جان باخت، در یادهاست. داداشی در یکی از شب‌های تیر ماه سال ۹۰، وقتی از جشنی بر می‌گشت، به خاطر پیچیدن ناگهانی خودرویش، مورد اعتراض و فحاشی سرنشینان یک پراید قرار گرفت. فحاشی سرنشینان، موجب عصبانیت داداشی می‌شود و به تعقیب پراید می‌پردازد و در نهایت پشت یک چراغ قرمز، آن‌ها را متوقف می‌کند. با پیاده شدن داداشی، یکی از سرنشینان پراید که از جته و قدرت او ترسیده بود، به کشیدن چاقو اقدام می‌کند. چاقو به گردن و قلب داداشی اصابت می‌کند و به بیمارستان منتقل می‌شود ولی با وجود تلاش پزشکان، به علت شدت جراحات جانش را از دست می‌دهد. انتشار تصویر پیکر بی جان این قهرمان باعث رنجش خانواده اش هم شد.

■ **مرگ به دست اوپاش خیابانی**
چیزی از ماجرای قتل داداشی نگذشته بود که در شهریور ۹۱ بار دیگر خبر قتل یک



به بهانه اعدام یکی از قهرمانان سابق کشتی مروری بر سرنوشت ورزشکارانی که سرانجامی کابوس وار داشتند

# تلخ فرجام‌ها

**ناصر رعیت نواز**– چند روز قبل، خبری خاص، جامعه ورزشی‌مان را شوکه کرد؛ «حجت تدر و از کشتی گیران سرشناس کشور در دهه‌های گذشته که سال‌های طولانی در حبس بود، با حکم دستگاه قضا، اعدام شد.» اعدام تدر و که یکی از استعدادها و امیدهای عرصه کشتی ایران بود، برای خیلی‌هایمان تداعی کننده ماجراهای تلخی است که از سالیان دور تا به حال، برای برخی چهره‌های ورزشی کشورمان رقم خورده است. «شرخری»، «زورگیری»، «اعتیاد و فروش مواد مخدر»، «مزاحمت برای نوامیس مردم» و حتی «قتل» که هر کدام به شکلی، سرنوشت برخی ورزشکاران مطرح را تغییر داد و به جای سکوی قهرمانی و جایگاه پهلوانی، یا به زندگی شان پایان داد یا پایشان را به زندان و چوبه دار باز کرد. بی ظرفیتی در مواجهه با شهرت و محبوبیت، سوءاستفاده از جته و هیکل ورزیده، غرور و تکبر، رو به رو شدن بدون آمادگی با دنیای پرزرق و برق ورزش در سطح ملی و بین المللی و...، شاید عواملی باشد که این ورزشکاران را به سمت ماجراها و درگیری‌های جبران نشدنی و جرایم سنگین و مجازات، سوق داده است. مرور سرگذشت تلخ برخی از این چهره‌ها، فرصتی است برای تأمل و عبرت. با ما همراه باشید.

انتظار اعدام ماند. او که با همراهی برادرش در بازگشت از شکار و هنگام شنا در یکی از آب‌بندهای محلی با خانواده ای در گیر شده بود و با شلیک تفنگ شکاری اش، پسری ۲۵ ساله را کشت، شوک بزرگی به ورزش ایران وارد کرد و در نهایت، در آبان سال ۱۳۹۳ با خوردن قرص برنج در زندان دیزل آباد به زندگی خود پایان داد.»

■ **حبس ابد برای حمل مواد توسط روماریو**
می‌روژکار دور، او را «روماریوی ایران، صدا می‌کردند. منظورمان «علی اکبریان» فوتبالیست سابق تیم ملی است که این روزها به جرم حمل موادمخدر در زندان است. هفته نامه تماشاگر در سال ۱۳۹۱ در گزارشی نوشته بود: «اینکه چرا علی اکبریان به نگهداری و توزیع موادمخدر روی آورد سوالی است که شاید در ذهن بسیاری از علاقه مندان به فوتبال نقش بسته باشد. همان گونه که می‌دانیم در زمان بازی علی اکبریان هرچند به فوتبالیست‌ها مبالغی پرداخت می‌شد که در قیاس با مردم عادی پول نسبتاً خوبی بود اما قطعاً قابل مقایسه با رقم قراردادهای فوتبالیست‌های میلیاردی امروز نیست. امثال علی اکبریان‌ها وقتی به دوران بازنشستگی از فوتبال می‌رسند، دچار نوعی یاس و سرخوردگی می‌شوند زیرا طبیعت فوتبال این است که تا وقتی در اوجی، طرفدار داری ولی به محض اینکه کنار رفتی همه به یکباره فراموش می‌کنند. اکبریان هم از این قاعده مستثنا نبود، ضمن اینکه نتوانسته بود از فوتبال برای دوران بازنشستگی خود اندوخته مناسبی فراهم کند. این شد که با نقش آفرینی دوستان ناباب، راه خلاف را در پیش گرفت. اکبریان ابتدا به اعدام و سپس با یک درجه تخفیف به حبس ابد محکوم شد و در حال حاضر همچنان در زندان قزل حصار به سر می‌برد و برخی دوستان و نزدیکان وی خبر از ترک اعتیادش می‌دهند.»

■ **سرگشتگی، تاوان قتل با شمشیر سامورایی**
یکی از موردهای عجیب عاقبت به خیر نشدن ورزشکاران، به «امیر قزایی» مربوط است. امیر قزایی یکی از شرکت کنندگان مسابقه قوی ترین مردان ایران که سال ۱۳۹۰ در جریان درگیری با دوستش، او را با شمشیر سامورایی به قتل رسانده بود، بعد از ۶ سال همچنان متواری است. جنایتی که تنها برای ۳ میلیون تومان رخ داد و پای مرد آهنین را به دنیای جنایتکاران باز کرد. حالا شش سال از روزی که طرفداران امیر قزایی در شوک فرو رفتند می‌گذرد و این ورزشکار با فرار از ایران، هنوز تن به مجازات اعدام نداده است.

در تهیه این مطلب از **روزنامه «هفت صبح»** هم استفاده شده است



بچه‌هایی که محمد بنا به کشتی فرنگی ایران معرفی کرده بود هم، ورزشکاری بود که قربانی شهرت شد، قربانی شهرت و تب تلخ فراموشی. سایت «خبرآنلاین» درباره او نوشته «پسری که از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ افتخارات زیادی برای کشتی فرنگی ایران آورده بود، وقتی بر اثر سهل انگاری مسئولان کشتی، رها شد تا به دام دوپینگ بیفتد، سرنوشت زندگی اش به کلی عوض شد. او که می‌توانست تضمینی برای تداوم قهرمانی‌های ایران تا سال‌ها باشد حالا در حالی به سردخانه زندان دیزل آباد منتقل شده که خانواده داغدار دیگری انتظار افتادن طناب دار به دور گردنش را می‌کشیدند. بابک که با قهرمانی در بازی‌های آسیایی گوانگژو ستاره شد، توانست دو سال متوالی در سیستم چرخشی محمد بنا، مدال‌هایی در دسته ۹۷ کیلوگرم کشتی دنیا بگیرد. اما روزی که دوپینگش مثبت اعلام شد، محمد بنا این حادثه را یکی از تلخ ترین اتفاقات زندگی اش خواند و آن را حاصل غفلت خودش و همکارانش از این بچه دانست. در دوران محرومیت که به حال خود رها شد، حادثه تلخ دیگری رقم خورد: با عصیبت آنی، جان یک یی گناه را گرفت و به دیزل آباد رفت و در

نزاع و زد و خورد، ورزشکار و غیر ورزشکار نمی‌شناسد. وقتی قانون را زیر پا می‌گذاری و سلاح سرد و گرم حمل می‌کنی، هیچ بعید نیست در لحظه خشم و عصبانیت، دست به چاقو و تفنگ شوی و طرف دیگر دعوا را از پا درآوری و به راحتی، مرتکب قتل شوی. اتفاقی که برای برخی چهره‌های ورزشی مان در نزاع‌های خیابانی و خانوادگی افتاده و یا اعدامی شان کرده، یا فراری. با هم چند مورد از مشهورترین موارد را مرور می‌کنیم.

#### ■ اعدام پس از ۱۰ سال حبس

«حجت تدر و»، کشتی گیر کرمانشاهی که ۱۰ سال پیش، از شاخص ترین ۷۴ کیلویی‌های کشتی ایران و یکی از بخت‌های نزدیک به دوپنده تیم ملی بود، متأسفانه استعدادش به هدر رفت و به خاطر جرمی که مرتکب شده بود، چند روز پیش اعدام شد. تدر و چندین دوره قهرمان مسابقات قهرمانی کشور در رده‌های سنی مختلف و نفر اول نبره‌های مسلح و انتخابی تیم ملی بزرگسالان شده بود و حتی در اوج، موفق شد بزرگان ۷۴ کیلویی کشور مانند هادی حبیبی، رضا رمضان زاده و صادق گودرزی را شکست دهد. او حدود ۱۰ سال پیش و به دنبال یک درگیری باعث قتل مرد دیگری شده و پس از آن دستگیر شده بود. پرونده تدر و در این ۱۰ سال بارها رفت و برگشت تا در نهایت حکم اعدام او تایید شد. او در این مدت در زندان به سر می‌برد تا اینکه صبح پنجشنبه ۴ خرداد در محوطه زندان دیزل آباد کرمانشاه اعدام شد!

#### ■ فرار از اعدام به خارج از کشور

در زمستان سال ۱۳۷۰ یک داستان تراژیک اتفاق افتاد که روزنامه‌ها و رسانه‌های آن زمان را به شدت تحت تاثیر قرار داد. مهدی رستم پور، روزنامه نگار ورزشی در صفحه خود و در این باره نوشته: «احمد آزادی، کشتی‌گیر، در ۲۰ سالگی در وزن ۱۳۰ کیلوگرم کشتی فرنگی، با ضربه فنی (فن تندر) همه رقبا را از پیش رو برداشت. فیزیک او برای فوق سنگین، استثنایی بود. تورانیان قهرمان بازی‌های آسیایی می‌گفت رقیب کارلین متولد شده، زمستان ۷۰ اما اختلاف شخصی بر سر یک موضوع ساده با دوست صمیمی اش مجید میرمعصومی (کشتی گیر) به نزاع، داخل مغازه ای در خیابان ابوسعید منجر شد. «احمد آزادی» مسلح بود. بعد از اولین شلیک به میرمعصومی، گفته بود جلو نیا بازم می‌زنم. مجید دنبالش کرده بود و گلوله‌های بعدی، به زندگی کوتاهش پایان داد. هر دو متاهل بودند. آزادی به خارج از کشور گریخت و ۲۶ سال است کسی نمی‌داند کجاست...»

#### ■ خودکشی در زندان، پیش از اعدام

بابک قربانی، پسر خوش اندام کرمانشاهی و یکی از